



تحلیلی بر حمایت ایران از محور مقاومت در بحران سوریه، با تکیه بر رویکرد آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی

محمدتقی روستایی^۱

چکیده

روابط سیاسی ایران و سوریه به عنوان دو کشور راهبردی در خاورمیانه، حداقل پیشینه‌های به بلندای عمر انقلاب اسلامی ایران دارد. از زمان پیروزی انقلاب تاکنون، پژوهش‌های بسیاری درباره‌ی تعاملات این دو کشور انجام شده است. این تعاملات و مناسبات با شکل‌گیری بهار عربی و تشدید بحران در سوریه به اوج رسیده و پرسشی با مضمون «دلایل حمایت ایران از محور مقاومت در بحران سوریه چیست؟» ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد ایران در گام نخست، به دنبال اهداف ایدئولوژیک و مذهبی و سپس در پی حفظ منافع ملی خویش باشد. این پژوهش به دنبال واکاوی دقیق و کاربردی اهداف و رویکردهای ایران در حمایت از «محور مقاومت» در قبال بحران سوریه است و در نظر دارد با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این هدف دست یازد. بررسی‌های پژوهش نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران با ایجاد توازن بین عناصر آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی و با تلفیق دو رویکرد ایده‌آلیسم و رئالیسم، به دنبال حفظ محور مقاومت اسلامی، کاهش نفوذ آمریکا و اسرائیل در منطقه، مشارکت فعال در تثبیت نظم سیاسی - امنیتی خاورمیانه و سرانجام، دفاع از امنیت منافع ملی است.

واژگان کلیدی: ایران، سوریه، سیاست خارجی، محور مقاومت، آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی قم (mt.roostaei@gmail.com).

مقدمه

با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ذی‌نفع و تأثیرگذار، براساس منافع و علایق خود، جهت‌گیری‌های گوناگونی درباره‌ی این کشور اتخاذ نموده‌اند که از اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در منطقه نیز برخوردار است. گروهی مانند روسیه، ایران، حزب‌الله لبنان و عراق، با تأکید بر حل‌منازعه‌ی سوریه از روش‌های مسالمت‌آمیز، خواهان ایجاد اصلاحات اساسی در این کشور، بدون هرگونه مداخله‌ی نظامی هستند. در گروه دوم، کشورهایمانند آمریکا، اعضای اروپایی شورای امنیت، اسرائیل، عربستان و قطر به همراهی اتحادیه‌ی عرب قرار دارند و هدفی جز برکناری اسد در سر‌نمی‌پروراندند و همین امر آنها را در کنار هم قرار داده است. همچنین احساس خطر یا تهدید مشترک، سبب نزدیکی این بازیگران شده و کانون این احساس خطر، متوجه ایران و قدرت منطقه‌ای آن است.

جمهوری اسلامی ایران، که مهم‌ترین حامی منطقه‌ای سوریه به‌شمار می‌رود، ملاحظات گوناگونی در سیاستش در قبال سوریه مد نظر دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، اسرائیل و محور مقاومت است. با این حال، اهمیت روابط ایران و سوریه فقط در سطح دوجانبه و ابعاد امنیتی و ضد اسرائیلی نیست، بلکه می‌توان گفت که این دو، یک محور را تشکیل داده‌اند؛ محوری که آمریکا، اسرائیل، اروپای غربی و بیشتر جهان عرب، به ویژه عربستان را متوجه خود ساخته و موسوم به محور مقاومت است. (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴، ص ۲) به همین دلیل، بازیگران مذکور می‌کوشند با برداشتن بشار اسد از رأس قدرت در این کشور، ضمن کوتاه کردن دست ایران، تضعیف و تحت فشار قرار دادن حزب‌الله و مقاومت، امنیت خویش را تضمین کنند. ایران نیز برای پیش‌گیری از این اتفاق، به حمایت از بشار اسد و نظام وی در سوریه می‌پردازد. از سوی دیگر، بحث نفوذ و قدرت ایران در منطقه و رقابت با عربستان و ترکیه، از دیگر دلایل حمایت ایران از نظام سوریه است. افزون بر این، محدود کردن نفوذ آمریکا و به‌طور کلی غرب در منطقه و جلوگیری از روی کار آمدن دولت تحت نفوذ آنان در کشوری که متحد ایران است، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایران درباره‌ی سوریه به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، ایران هرگونه انتقال قدرت را در سوریه، تنها در صورتی می‌پذیرد که خود در آن نقش داشته باشد و آینده‌ی حضورش را در این کشور تضمین نماید.

با توجه به گفتمان انقلابی- شیعی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران و تقابل این گفتمان با دولت‌های اهل سنت و سلفی‌گری در منطقه، از سویی و مداخله‌ی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، از سوی دیگر، امنیت ملی ایران، همواره، با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. (آدمی و کشاورز،

۱۳۹۴، ص ۱) عملکرد امنیتی ایران در تحولات ناشی از بیداری اسلامی، حمایت از گروه های شیعی در یمن و بحرین و همچنین حضور فعالانه در عراق و سوریه با هدف حفظ و افزایش قدرت مجموعه ای امنیتی محور مقاومت و تأمین امنیت ملی ایران، این پرسش را تداعی می کند که مهم ترین علل حمایت ایران از دولت بشار اسد در بحران سوریه چیست؟ فرضیه ای مقاله را به این صورت در نظر می گیریم: حمایت ایران از سوریه به دلیل هم پیمانی با این کشور، حفظ جبهه ای مقاومت و تأمین منافع ملی، حمایت ایدئولوژیکی است که بر مبنای آرمان های شیعی در منطقه پایه گذاری و با رویکرد واقع نگری تلفیق شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات براساس منابع کتابخانه ای و اینترنتی است.

پیشینه پژوهش

کتاب و مقالات متعددی در زمینه ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مناسبات سیاسی ایران و سوریه وجود دارد. برخی از آنها عبارت است از:

- «دکتر منوچهر محمدی» در کتاب *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، به بررسی اصول، اهداف و مسائل جاری سیاست خارجی کشورمان پرداخته است.

- «دکتر زهره پوستینیچی» و «دکتر ابراهیم متقی» در کتاب *الگو و روند در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، فصول گوناگون سیاست خارجی و منافع ملی ایران را مورد مذاقه قرار دادند.

- «محمد علی امامی» در کتاب *سیاست و حکومت در سوریه*، به کند و کاو در ساختار تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی در سوریه پرداخته است.

- «سید شمسالدین صادقی» و «کامران لطفی» در مقاله ی *تحلیل مواضع ایران در قبال بحران سوریه*، رویکرد واقع گرایی و حفظ منافع ملی را اساس سیاست خارجی ایران درباره ی سوریه دانستند.

- «مهدی نطاق پور» و «محمد رضا بشارتی» در مقاله ی *علل همگرایی بین ایران و سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی ایران*، ضمن بررسی علل سیاسی، دینی، امنیتی، اقتصادی، به ارائه ی پیشنهاد در عرصه ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مبادرت ورزیدند.

راهبرد سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه در پژوهش های مذکور، بیشتر با تأکید بر رویکرد واقع گرایی انجام شده و مبانی و اهداف ایدئولوژیک ایران در حمایت از سوریه مورد غفلت قرار گرفته است. پژوهش حاضر در عین حال که منکر اهداف رئالیسم و واقع گراییانه جمهوری اسلامی ایران در همراهی با سوریه نیست، در نظر دارد آرمان های انقلابی و اسلامی ایران را در

زمینه‌ی حمایت از سوریه نیز مورد مذاقه قرار دهد.

چگونگی شکل‌گیری بحران سوریه

سوریه، کشوری کوچک با مساحت ۱۸۵/۱۸۰ کیلومتر مربع و جمعیتی بیش از ۲۲/۰۰۰/۰۰۰ نفر است. سوریه از شمال با ترکیه، از شرق با عراق، از غرب با لبنان و دریای مدیترانه و از جنوب با اردن و اسرائیل همسایه است. این کشور چهارده استان دارد. سوریه از نظر جغرافیایی دارای اهمیت بسیار است. بسیاری از کارشناسان سیاسی، سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان نامیده‌اند، شاید به این دلیل که این کشور کوچک اهمیت فوق‌العاده‌ای در منطقه‌ی استراتژیک خاورمیانه دارد. (۱۳۹۱: yjc.ir)

آغاز ناآرامی و خیزش در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا، از تونس آغاز شد و به مصر، لیبی و یمن سرایت کرد. همچنین دامنه‌ی اعتراض و خیزش، به کشورهای دیگر مانند بحرین، سوریه، مراکش، اردن و عربستان سعودی نیز کشیده شد. در ایران، موج خیزش، «بیداری اسلامی» و در جهان غرب و کشورهای عربی، «بهار عربی» نامیده می‌شود. با آغاز بیداری اسلامی و خیزش جنبش‌های رهایی‌بخش خاورمیانه، که منجر به سقوط چندین حاکم مستبد در کشورهای اسلامی گردید، مردم سوریه هم از این حرکت بی‌نصیب نماندند. نقطه‌ی آغاز بروز بحران سیاسی سوریه، سال ۲۰۱۱ و به راه افتادن تظاهراتی به شکل عمده در مناطق حاشیه‌ای، پیرامونی و شهرهای کوچک سوریه برای مبارزه با فساد، انجام اصلاحات و کسب آزادی بود. اعتراضات مردم سبب شد نظام به این نتیجه برسد که باید اصلاحات را انجام دهد، ولی برخی از گروه‌های مخالف نظام دست به اسلحه بردند و اعتراض‌ها به مرحله‌ی خون‌بار رسید. (آجرلو، ۱۳۹۰، ص ۵۰) از سوی دیگر، حمایت‌های مالی و تسلیحاتی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی از نیروهای داخلی درگیر در سوریه، سبب تشدید اعتراض‌های خشونت‌آمیز شد.

درباره‌ی تحولات سوریه دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. گروهی از تحلیلگران این تحولات را ناشی از گروه‌های اجتماعی در سوریه می‌دانند و اقتدارگرایی سیاسی دولت سوریه را عامل اصلی بحران برمی‌شمارند. به همین دلیل، ناآرامی‌ها و بحران در سوریه را امتداد جنبش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا ارزیابی می‌کنند. این گروه از تحلیلگران معتقدند مردم برای رهایی از مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود، به اعتراض و مبارزه با رژیم اقدام نموده‌اند و خواهان حقوق سیاسی و آزادی هستند. گروه دیگری از تحلیلگران معتقدند که سوریه، مرز ژئوپلیتیکی رادیکالیسم سیاسی محافظه‌کاری جهان غرب به شمار می‌رود؛ بنابراین، امریکا و

کشورهای محافظه‌کار غرب درصددند زمینه‌ی افول قدرت دول‌تهای رادیکال را فراهم آورند. (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴، ص ۹) به اعتقاد آنان، حوادث سوریه بیش از آن که منشأ داخلی داشته باشد، دارای منبع خارجی است و مشکلات داخلی سوریه را فرصتی برای بهره‌برداری و رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌دانند. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱، ص ۹۹) به طور کلی، می‌توان گفت سطح تحلیل گروه اول، فاقد نگاه دقیق و راهبردی به تحولات و ناآرامی‌های سوریه است، به این دلیل که در این نوع تحلیل، فقط متغیرهای داخلی (وضعیت داخلی این کشور) مورد بررسی قرار می‌گیرد و به عوامل بیرونی این تحولات توجهی نشده است. به نظر می‌رسد اگر چه سوریه از مشکلات فراوان و جدی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برد، بحران این کشور افزون بر آن که از نوع خیزش‌های مردمی و بیداری اسلامی است، تابعی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای نیز به شمار می‌رود.

روابط ایران و سوریه

مناسبات دمشق و تهران به دنبال استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ برقرار گردید. روابط دو کشور در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۴۰ و نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۹۵۰ به دلیل طبیعت متفاوت رژیم جمهوری سوریه و نظام پادشاهی ایران در سطح پایین قرار داشت، ولی در آن اثری از خصومت و تشنج دیده نمی‌شد. در مجموع، پیش از انقلاب اسلامی، روابط سردی بین ایران و سوریه برقرار بود. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، روابط دو کشور به تدریج گسترش یافت تا جایی که عملاً به هم پیمانان راهبردی مبدل شده‌اند.

سوریه در دوران جنگ تحمیلی از ایران در برابر عراق حمایت کرد و این در شرایطی بود که همه‌ی کشورهای عربی با حداکثر توان، به پشتیبانی از عراق پرداخته بودند. (طاهایی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴) برای نمونه، با بستن لوله‌هایی که نفت شمال عراق را به ساحل شرقی دریای مدیترانه می‌رساند، ضربه‌ی بزرگی به اقتصاد عراق وارد کرد؛ این کشور، بارها، مانع اجماع کشورهای عضو اتحادیه‌ی عرب بر ضد ایران در جنگ تحمیلی شد. گذشته از اینها، سوریه در اوج تحریم تسلیحاتی ایران، توانست سلاح‌های پیشرفته دفاعی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. سوریه همچنین خواستار پایان دادن به اختلافات موروثی از زمان شاه، بین کشورهای عربی و ایران از طریق تفاهم و گفت‌وگو بود. (الجعفری، ۱۹۸۷، ص ۲۲۸) اهمیت روابط دو کشور به گونه‌ای بوده است که رهبر انقلاب (مدظله‌العالی) در دیدار بشار اسد در سال ۱۳۸۵، ایران و سوریه را عمق استراتژیک یکدیگر نامیدند و تأکید فرمودند که این روابط، از دیرینه‌ترین و ممتازترین روابط

کشورهای منطقه است. (سعیدی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۸)

از سال ۱۹۷۳ تاکنون، امریکا توانسته است کشورهای عربی را به جز سوریه، به صلح و حل اختلافات با اسرائیل و به رسمیت شناختن آن و نهایتاً تعمیق روابط ترغیب نماید، (موسوی، ۱۳۸۸، ص ۱۲) ولی سوریه از مواضع ایران در مورد حزب‌الله لبنان و جنبش‌های جهادی در فلسطین اشغالی برضد رژیم غاصب حمایت کرده و این مبارزات را دفع تجاوز و دفاع و نه تحرکات تروریستی برشمرده و تأیید نموده است؛ بنابراین، سوریه تنها بازیگر عربی است که در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش مستقلی ایفا می‌کند و وابسته به غرب نیست. ارتش سوریه، تنها ارتش کلاسیک عربی است که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد. همسایگی با فلسطین اشغالی، ایفای نقش محور مقاومت، نقش آفرینی در معادلات سیاسی لبنان، سوریه را به خط استراتژیک ضد رژیم صهیونیستی در منطقه تبدیل نموده است؛ بنابراین، رابطه‌ای استراتژیک بین جمهوری اسلامی ایران و دولت اسد وجود دارد که ایران را در به مخاطره انداختن امنیت اسرائیل توانمند می‌سازد. (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴، ص ۷) دو کشور افزون بر منافع ملی مشترک، دارای اشتراکات دینی، مذهبی و اسلامی شایان توجهی هستند. (سعیدی، ۱۳۸۷، ص ۹۸) بشار اسد در گفت‌وگویی اذعان کرده که تنها در یک مورد است که بین سوریه و ایران فاصله می‌افتد و آن هم زمانی است که تهران از اسرائیل حمایت کند. (نطاق پور و بشارتی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰)

جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران مهم حاضر در بحران سوریه و قدرتمندترین پشتیبان منطقه‌ای سوریه به شمار می‌رود. حمایت ایران از سوریه موجب شده است که دولت بشار اسد بتواند در برابر فشارهای همه‌جانبه‌ی غرب و بسیاری از کشورهای عربی و سابقاً ترکیه مقاومت کند. این حمایت، به دلیل نقش لجستیکی و مهم سوریه برای حزب‌الله لبنان و حماس است که از متحدان سیاسی ایران به شمار می‌رود. سوریه یکی از مهم‌ترین پله‌ای ارتباطی ایران و حزب‌الله است و سلاح استراتژیک جمهوری اسلامی تلقی می‌گردد و می‌تواند نقش جبهه‌ی ایرانی را بر ضد اسرائیل ایفا نماید. (Sutherlin, ۲۰۱۳, P. ۳) «ریچارد هاس» در مقاله‌ی *خاورمیانه‌ی جدید* می‌نویسد: با تغییر موازنه‌ی قدرت در خاورمیانه و خلیج فارس و به وجود آمدن عنصر شیعی در عراق و پیروزی حزب‌الله در لبنان، افول قدرت امریکا آغاز شده و این، ترس کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و اقتدارگرایان سنی عرب را برانگیخته است. (Hass, ۲۰۰۸, P. ۵) در نتیجه، تغییر حکومت در سوریه، به معنای قطع پل ارتباطی ایران و حزب‌الله است و زمینه‌ی سقوط حزب‌الله لبنان را فراهم می‌آورد و از این رو، بقای حکومت بشار اسد، برای حفظ هر چه بهترین ارتباط، از

اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است.

از نظر سیاسی و امنیتی، سوریه دارای عالی‌ترین سطح روابط یکی از کشورهای عربی با ایران است. این امر به دلیل وجود دوستان و دشمنان مشترک منطقه‌ای، نیازهای داخلی دو کشور، مسلمان بودن این دو و وجود روابط و پیشینه‌ی تاریخی با هویت‌های مذهبی در ابعاد تاریخی، مذهبی و فرهنگی در ایران و سوریه است. به اعتقاد غرب و دیگر کشورهای عربی منطقه، سوریه، متحد استراتژیک با منافع اساسی مشترک است که بسیار نزدیک به ایران اقدام می‌کند و در مجموعه‌ی امنیتی مقاومت، عنصری قوی به شمار می‌رود. با آغاز بحران در سوریه، روابط نظامی و امنیتی این کشور با ایران بیشتر شده است.

رویکردهای سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه

سیاست خارجی^۱ عبارت است از استراتژی یا رشته اعمال از پیش طراحی شده‌ی تصمیم‌گیرندگان حکومتی، که مقصود آن، دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ایدئولوژیکی و ملی و در محیط بین‌المللی است. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل هر دولت یا واکنش آن در قبال کنش دولت‌های دیگر باشد؛ (مقتدر، ۱۳۵۸، ص ۱۳۱) به بیانی دیگر، سیاست خارجی، شیوه‌ی نگرش دولت به جامعه‌ی بین‌المللی است. (خوشوقت، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵)

موج انقلاب در سوریه به عنوان متحد منطقه‌ای ایران، تأثیر شایان توجهی بر موقعیت و منافع راهبردی منطقه‌ای ایران خواهد داشت. با آغاز بحران سوریه، سیاست ایران در قبال سوریه‌ی واحد، وارد مرحله‌ی حساسی شده است. تحولات درونی سوریه، ابعاد جهانی یافته، در حالی که مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال رخداد‌های این کشور، بسیار مهم و تا اندازه‌ای تعیین‌کننده است. ایران با در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایش، راهبردهای متنوعی در قبال سوریه در پیش گرفته و کمک‌های اقتصادی و مستشاری نظامی خود را به سوریه آغاز کرده است تا از سقوط دولت اسد جلوگیری نماید. (متقی و سعیدی، ۱۳۹۴، ص ۲۶) ایران می‌کوشد به کشورهای منطقه و فرمانطقه نشان دهد مبارزه با تروریسم، نخستین گام برای بازگرداندن صلح و امنیت به منطقه است، هر چند که در اذهان و گفتار دشمنان ایران، به ویژه آمریکا و اسرائیل، ایران حامی تروریسم معرفی شده است.

درباره‌ی حمایت ایران از نظام سوریه، مخالفان ایران مدعی‌اند که ایران در مورد سوریه برخلاف سیاست خارجی خود رفتار کرده که مبارزه با مستکبران و یاری مستضعفان است، زیرا در

قبال مسئله سوریه، برخلاف انقلاب‌های عربی و بحرین، که از مردم پشتیبانی می‌کرد، در سوریه از رژیم بشار اسد حمایت می‌نماید و به جای توجه به اصول سیاست خارجی، پیرو منافع ملی و راهبردی‌اش در منطقه بوده است. جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به انتقادات یادشده، به تفاوت موجود در مسئله سوریه و بحرین اشاره می‌کند؛ به گفته‌ی دولت ایران، در بحرین، بیشتر مردم با رژیم آن کشور مخالف‌اند و فقط اقلیتی ضعیف از دولت حمایت می‌کنند، در حالی که در سوریه، موضوع کاملاً برعکس است و بیشتر مردم از دولت سوریه پشتیبانی می‌نمایند و جمعیت مخالفین را اقلیتی از گروه‌هایی مانند القاعده و اخوان المسلمین، با گرایش‌های سلفی تشکیل می‌دهند که در شهرهای مرزی مستقر بوده، از حمایت مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی قدرت‌های خارجی برخوردارند.

افزون بر آن، از نظر ژئوپلیتیک نیز به این نکته اشاره می‌شود که اکنون، عمق استراتژیک ایران گسترش و در غرب، تا سواحل مدیترانه امتداد یافته است؛ بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه خط مقدم منطقه‌ی نفوذ ایران در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل، کشورهای مانند ترکیه، عربستان سعودی و قطر با تمام توان، سعی در تشدید بحران سوریه و افزایش فشار بر اسد، با هدف کناره‌گیری یا سرنگونی وی دارند. مهم‌ترین انگیزه‌ی مشترک جبهه‌ی قدرت‌های منطقه‌ای مخالف اسد، سیاست مهار ایران و همچنین جلوگیری از قدرت روزافزون محور مقاومت با نقش‌آفرینی ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان است. (برزگر، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲) هم‌اکنون، همه‌ی فشارها برای شکستن این پل ارتباطی، یعنی سوریه، اعمال می‌شود و آنچه در پشت پرده در جریان است، در حقیقت، به دلیل روابط نزدیک سوریه با ایران بوده، هدف از سرنگونی رژیم کنونی در آن کشور نیز با امید به منزوی ساختن ایران صورت می‌پذیرد.

ایران در عین حمایت از دولت اسد و محکوم کردن دخالت‌های خارجی، همواره، بر ضرورت گفت‌وگوهای ملی دولت و مخالفان و همچنین اصلاحات سیاسی دموکراتیک در این کشور تأکید کرده است. البته برخی از کارشناسان بر این باورند که ایران می‌توانست با تعامل بهتر با برخی جریانات اپوزیسیون در سوریه و تلاش در ایجاد گفت‌وگوهای ملی، دیپلماسی فعال‌تری در پیش بگیرد. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱، ص ۱۶۴)

ارزیابی‌های گوناگونی درباره‌ی سیاست خارجی ایران صورت گرفته است؛ برخی آن را از دیدگاه واقع‌گرایی تحلیل کرده‌اند و معتقدند سیاست خارجی ایران پس از انقلاب، ناموفق و ناکارآمد بوده است. برخی دیگر آن را از دیدگاه ایدئولوژیکی بررسی کرده و موفقیت و مطلوبیت را به آن نسبت داده‌اند. رویکرد سوم، تلفیقی از دو رویکرد قبلی است، یعنی سیاست خارجی ایران

را مانند کشورهای دیگر، ترکیبی از موفقیت و شکست می‌دانند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۰) به طور کلی، سه دیدگاه اساسی درباره‌ی نوع رویکرد سیاست خارجی ایران در قبال سوریه بیان شده است:

الف. دیدگاه حقوق بشری: طرفداران این دیدگاه بر این باورند که حکومت بشار اسد و حاکمیت حزب بعث در سوریه، دارای ساختار غیردموکراتیک و ناعادلانه است و در جریان تحولات اخیر و برخورد با معترضان، به نقض گسترده‌ی حقوق بشر پرداخته است و جمهوری اسلامی نیز باید با درک این موضوع، همگام با کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه‌ای، مانند ترکیه و بیشتر کشورهای عضو اتحادیه‌ی عرب، در صف تحریم‌کنندگان سوریه قرار گرفته، سرانجام، در مسیر سقوط حکومت بشار اسد حرکت کند.

ب. دیدگاه ایدئولوژیک: معتقدین به این دیدگاه بر این باورند که حکومت کنونی سوریه در صف جریان مقاومت منطقه بوده، موقعیت استراتژیکی این کشور از نظر همجواری با گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین، اهمیت ویژه‌ای دارد و از آن جا که سقوط بشار اسد در صف جریان مقاومت خلل ایجاد می‌کند، باید در هر شرایطی از سقوط حکومت سوریه جلوگیری کرد.

ج. دیدگاه ژئوپلیتیک: معتقدین به این دیدگاه می‌گویند جمهوری اسلامی، قدرت منطقه‌ای به شمار می‌رود و یکی از مؤلفه‌های برتری قدرت ایران، ساختار سیاسی و امنیتی حاکم بر این منطقه است. ساخت قدرت در خاورمیانه، وجود گروه‌های مقاومت مانند حزب الله، اتحاد محکم حکومت کنونی سوریه با جمهوری اسلامی، موقعیت راهبردی این کشور عربی و بهار عربی، موقعیت برتر جمهوری اسلامی را تحکیم بخشیده است و سقوط حکومت سوریه، به ویژه با دخالت خارجی، معادلات را به سود رقبای منطقه‌ای و مخالفان فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی متحول خواهد ساخت؛ بنابراین، راهبرد جمهوری اسلامی باید مبتنی بر حفظ موقعیت کنونی سوریه باشد.

با این حال، به اعتقاد نگارنده، هیچ کدام از این دیدگاه‌ها به تنهایی نمی‌تواند ترسیم‌کننده‌ی راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سوریه باشد؛ در اوضاع کنونی، در پیش گرفتن راهبردی چندلایه و چندبعدی در دیپلماسی ایران در قبال تحولات سوریه، که دربرگیرنده‌ی جنبه‌های گوناگون هر سه دیدگاه یادشده باشد، عقلانی‌تر است. از این نظر، می‌توان گفت سیاست خارجی ایران درباره‌ی بحران سوریه، بر چهار محور استوار است: توقف خشونت و کشتار در سوریه، ممنوعیت مداخله‌ی سیاسی و نظامی بیگانگان، حفظ دولت بشار اسد و همچنین ضرورت اصلاحات داخلی و رجوع به آرای مردم برای تعیین سرنوشت آینده‌ی کشور.

با توجه به مطالب طرح شده، به نظر می‌رسد رویکرد ایران درباره‌ی بحران سوریه، به دو دلیل مبتنی بر تعامل با جامعه‌ی جهانی به منظور حل بحران و اصل قرار دادن خواست مردم سوریه در تعیین ساختار آینده‌ی نظام سیاسی این کشور باشد: نخست، به دلیل وقوع چرخه‌ی گفتمانی مورد انتظار در دولت و حاکمیت نوعی از آرمان‌گرایی واقع‌نگر بر سیاست خارجی ایران و دوم، به دلیل تقویت بُعد واقع‌گرایی به منظور ایجاد توازن و تعادل بین عناصر آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی.

دلایل حمایت جمهوری اسلامی ایران از سوریه

جمهوری اسلامی در محاسبات منطقه‌ای و جهانی، اهمیت دوچندان یافته است؛ از این رو، تبیین این موقعیت برای ایران ضروری است. متعاقب آغاز بحران داخلی سوریه، ایران برای حفظ امنیت ملی در قبال تهدیدهای به وجود آمده، رویکرد حمایت همه‌جانبه‌اش را از دولت بشار اسد به اجرا گذاشته و در این باره، اتحادی با روسیه و چین، برای جلوگیری از سلطه‌ی غرب بر این منطقه در پیش گرفته و سیاست خارجی خود را در این زمینه تنظیم کرده است. با توجه به این ملاحظات، مهم‌ترین ابعاد اهمیت استراتژیک سوریه را برای جمهوری اسلامی ایران می‌توان در قالب چهار اصل مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

۱. سوریه؛ محور مقاومت در برابر نفوذ افسارگسیخته غرب در خاورمیانه

به سه دلیل، سوریه برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت دارد: ۱. مرکزیت سوریه از نظر راهبردی در خاورمیانه؛ ۲. پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب و اسرائیل؛ ۳. احساس خطر از ناحیه‌ی اسلام سیاسی و بنیادگرا در کشورهای منطقه و روند روزافزون آن.

پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ م، امریکا خود را در مقام پلیس بین‌الملل و هژمون جهانی معرفی نمود و خواهان بسط و فراگیر شدن ارزش‌های لیبرال دموکراسی در جهان شد، ولی با گذشت زمانی اندک، موقعیت ممتاز امریکا در عرصه‌ی بین‌الملل با چالشی جدی روبه‌رو گشت. امریکا برای رسیدن به اهدافش و گذار به مرحله‌ی جهانی شدن، نیازمند عبور از نظام وستفالی است که از سال ۱۶۴۸ م، گفتمان حاکم بر نظام بین‌المللی بوده است. مهم‌ترین قاعده‌ی نظام وستفالی، «اصل حاکمیت» است که طبق آن، نمی‌توان حاکمیت هیچ کشوری را نقض کرد. با این حال، حمله‌ی امریکا و ناتو به افغانستان در سال ۲۰۰۱ م، عراق در سال ۲۰۰۳ م، لیبی در سال ۲۰۱۱ م و هم‌اکنون، تلاش برای حمله به سوریه، حکایت از تلاش واشنگتن برای گذار به دوران «فراحاکمیت» و عبور از نظام وستفالی دارد. از دیدگاه غرب، سوریه به دلیل تحولات اخیر خاورمیانه، موقعیت ژئوپلیتیکی، همسایگی با اردن، اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق و همکاری

گسترده‌ی نظامی با روسیه، وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی بلندمدت خواهد بود. با این حال، اهمیت اساسی دارد که ایران در قالب توافقی پایدار با سوریه و روسیه، به دنبال جلوگیری از دستیابی غرب به اهدافش در منطقه، به ویژه سوریه، است.

۲. حفظ حلقه ارتباطی با حزب الله و خط تقابل با اسرائیل

در نگاهی تاریخی، حافظ اسد، همواره، موجودیت اسرائیل را رد می‌کند و به هیچ وجه حاضر نیست با این رژیم وارد مذاکره شود. این دیدگاه، یعنی اعتقاد به نابودی اسرائیل، موجب تقویت روابط دمشق با جمهوری اسلامی ایران شده است. در سال‌های پس از انقلاب، که سیاست دشمنی با اسرائیل، یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی ایران قرار گرفت، نزدیکی تهران به دمشق به بالاترین سطح رسید. افزون بر دشمنی با اسرائیل، عامل اساسی دیگری که سبب شده است ایران روابط خود را با سوریه مستحکم کند، حمایت سوریه از حزب الله لبنان است که همسو با اصل دشمنی با موجودیت اسرائیل صورت می‌گیرد.

در نتیجه، می‌توان عنوان نمود که اتخاذ سیاست خارجی یکسان در برابر اسرائیل و همچنین حمایت از حزب الله لبنان، عامل اصلی نزدیکی روابط ایران و سوریه است. نزدیکی روابط این دو، همسو با تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران و همچنین سوریه در برابر اسرائیل است که در این راهبردهای ضد صهیونیستی، حزب الله لبنان نقش کلیدی در سیاست خارجی ایران و سوریه بازی می‌کند و با حمایت ایران و سوریه توانسته است ضربه‌های کاری - خواه از نظر سیاسی و خواه از نظر نظامی - بر اسرائیل وارد آورد. رابطه‌ی ایران و سوریه اساساً برای هر دو طرف از نظر امنیتی حائز اهمیت است و حفظ محور مقاومت در منطقه، برای ایران اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

۳. سوریه؛ نقطه اتصال ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی - اسلامی

ملت، ملی‌گرایی و دولت ملی، پدیده‌های نوظهوری در تاریخ جوامع اسلامی هستند. در پی سلطه‌ی همه‌جانبه‌ی اروپاییان بر جهان، اروپایی کردن نظام جهانی در دستور کار قرار گرفت و کشورهای عربی خاورمیانه، بخشی از این جهان مدرن شدند. در این باره، مهم‌ترین مسئله برای ایران، ناهمخوانی هویت ملی ایرانیان با موج ناسیونالیسم عربی حاکم بر خاورمیانه بوده است.

با این حال، علویان سوریه، که عمدتاً جزو قشرهای استثمارشده و مظلوم جامعه بوده‌اند، هرگز نتوانسته‌اند بر مبنای ناسیونالیسم عربی یا جریان‌های فراگیر دیگر، با برادران سنی خود پیوند برقرار سازند و همواره همبستگی دینی آنها بر دیگر احساساتشان غلبه داشته است. این امر، نقطه‌ی عطفی در روابط ایران و سوریه ایجاد کرد. ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی موجود، سبب ناممکن شدن روابط



دوجانبه‌ی عرب‌ها و ایران شده بود، ولی در سوریه، پس از آغاز حکومت حافظ اسد، کشوری که تا مدت‌های مدید تحت سلطه‌ی پان‌عریبسم بود، به حکومتی سکولار تبدیل شد و سیاست‌های پان‌عریبسمی حزب بعث را کنار گذاشت. این امر وضعیت راهبردی بسیار مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد تا بتواند با افزایش نفوذ در سوریه، خط اتصالی بین ناسیونالیسم عربی رقیب شده را در سوریه و هویت ایرانی اسلامی ترسیم نماید. این امر موجب شد موافقت‌نامه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی بین دو کشور ایجاد شود که البته با مخالفت‌های گسترده‌ی اعراب روبه‌رو شد و بدین ترتیب، سوریه به مسئله‌ای امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل می‌شود، زیرا با وضعیت کنونی منطقه و اتحاد کشورهای عربی با غرب، که موجب نفوذ سرمایه‌داری غرب در خاورمیانه شده است، سوریه با حمایت ایران همچنان می‌تواند سدی محکم در برابر لیبرال دموکراسی غرب باشد و این مسئله، یکی از مسائل اساسی سیاست خارجی ایران و همچنین یکی از ارکان ساختار امنیتی ایران در خاورمیانه به شمار می‌رود.

۴. استراتژی دفاع - تهاجم ایدئولوژیک

استراتژی دفاع - تهاجم ایدئولوژیک، راهبردی است که وضعیت پایداری ایران را در مداخله‌ی سوریه در معرض نمایش می‌گذارد و اساساً این نکته را متوجه نظام بین‌الملل می‌کند که ایران حضوری دائمی در سوریه دارد، زیرا بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران معتقد بودند که حمایت ایران از دولت بشار اسد، به تدریج کاهش خواهد یافت و ایران موضع خود را حداقل برای داشتن جایگاهی در حکومت جدید سوریه تغییر خواهد داد، ولی ایران نه تنها حمایت خود را از سوریه کاهش نداده است، که با حمایت همه‌جانبه‌اش همه را شگفت‌زده کرد، به گونه‌ای که حتی در صدد تغییر معادلات به سود خود و دولت کنونی سوریه به رهبری بشار اسد است. ایران با استراتژی دفاع-تهاجم، یعنی با به‌کارگیری همزمان حالت دفاعی و تهاجمی در سوریه، می‌تواند با حفظ حکومت سوریه، امنیت خود را نیز بیمه نماید. در این صورت، ایران از اتخاذ دفاع همه‌جانبه و منفعل در برابر هجوم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری غرب خودداری می‌نماید و در عوض، همزمان با اتخاذ حالت دفاعی و تبدیل کردن سوریه به سد دفاعی محکم، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک سوریه، سیاست‌های تهاجمی خود را نیز غیرمستقیم به کار می‌بندد تا بتواند از هزینه‌ی سنگین دفاعی خویش بکاهد. (alwaght.com: ۱۳۹۴)

افزون بر موارد یادشده می‌توانیم به دلایل دیگری مانند دفاع از مقدسات، معاهده‌ی نظامی، لزوم وفاداری به دوستان و وحدت مسلمانان نیز اشاره کنیم.

نتیجه‌گیری

هر چند پیش از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی، بین ایران و سوریه روابط دیپلماتیک وجود داشت، ولی چشم‌گیر نبود. با این حال، پس از پیروزی انقلاب و با گسترش روابط، این دو کشور عملاً به هم‌پیمانان راهبردی مبدل شده‌اند، به گونه‌ای که سوریه در دوران جنگ تحمیلی، تنها کشور عربی بود که از ایران در برابر عراق حمایت کرد و اکنون ایران، یکی از بازیگران مهم حاضر در بحران سوریه و قدرتمندترین حامی منطقه‌ای این کشور به شمار می‌رود و داعیه‌ی حمایت همه‌جانبه را از کشور بحران زده‌ی سوریه در سر می‌پروراند.

در خصوص سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه، ارزیابی‌های گوناگونی صورت گرفته که ناشی از دیدگاه‌های صرفاً واقع‌گرایانه یا صرفاً آرمان‌گرایانه و پژوهشگران است. این ارزیابی‌ها مشتمل بر سه دیدگاه است:

- دیدگاه حقوق بشری، که به نقض حقوق بشر و برخورد سرکوبگرانه‌ی دولت اسد با معترضین اعتقاد دارد و در نتیجه، مدعی تحریم سوریه و تلاش ایران برای سرنگونی دولت اسد است؛
- دیدگاه ایدئولوژیک، که معتقد به حفظ دولت اسد است تا شرایط لازم برای حفظ محور مقاومت، تحکیم پل ارتباطی با حزب الله لبنان و حماس در فلسطین و سرانجام، کاهش نفوذ اسرائیل در منطقه فراهم آید؛

- دیدگاه ژئوپلیتیکی، که مدعی است سقوط دولت سوریه، موجب کاهش قدرت ایران در منطقه، به سود رقبای منطقه‌ای و دشمنان فرامنطقه‌ای و سرانجام، تهدید امنیت ملی ایران است.
واضح است که دیپلماسی ایران درباره‌ی تحولات سوریه، راهبرد چندلایه و چندبعدی است و نمی‌تواند فقط متکی بر یکی از رویکردهای یاد شده باشد. جمهوری اسلامی ایران با تلفیق و ترکیب اهداف آرمان‌گرایانه و واقع‌گرایانه، از سویی به دنبال آن است که شرایط لازم برای حفظ محور مقاومت و تثبیت حلقه‌ی ارتباطی با حزب الله لبنان و زمینه‌ی تضعیف نظام غاصب اسرائیل را فراهم سازد و از سوی دیگر، درصدد تثبیت نظم سیاسی-امنیتی خاورمیانه و افزایش قدرت خود در منطقه و دفاع از امنیت منافع ملی خویش است؛ به بیان دیگر، باید گفت ایران در عین حال که اهداف ایدئولوژیک را مبنای حمایت از دولت اسد قرار داده است، به دنبال تقویت بعد واقع‌گرایی به منظور ایجاد توازن و تعادل بین عناصر آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است.

براساس این، پژوهش حاضر تلاش داشت نشان دهد که شکل‌گیری بحران در سوریه و کشورهای مسلمان دیگر مانند فلسطین، عراق و یمن، چه فرصت‌ها و تهدیدهای ایدئولوژیک و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده و راهبردهای امنیتی منطقه دست‌خوش چه

تغییراتی شده است و نهایتاً به این نتیجه رسید که سرنگونی دولت بشار اسد و دولت شیعی عراق، موجب تضعیف محور مقاومت و گفتمان شیعه، انزوای جمهوری اسلامی ایران، از دست رفتن جبهه‌ی سوریه و دسترسی نداشتن ایران به حزب الله لبنان و حماس، برتری یافتن عربستان و دولت‌های معاند ایران در منطقه و سرانجام، کاهش ضریب امنیتی ایران می‌شود؛ بنابراین، می‌توان گفت حفظ محور مقاومت و تقابل با اسرائیل و هم‌پیمانانش، جزو اصلی دکترین امنیتی ایران است، زیرا امنیت ایران، به ثبات امنیتی در محور مقاومت گره خورده است.

تأکید بر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که لازمه‌ی خروج از بحران سیاسی سوریه، پذیرش دو عامل اساسی است: ۱. دخالت نکردن قدرت‌های خارجی در این کشور و تأکید بر حل مسئله از طریق گفت‌وگو و کوتاه آمدن طرفین؛ ۲. انجام اصلاحات در نظام سیاسی سوریه، همراه با شفاف‌سازی و اعتمادسازی مطلوب.

فهرست منابع

۱. الجعفری، بشار، *السیاسیه الخارجیه السوریه*، دمشق، دار طلاس، ۱۹۸۷ م.
۲. برزگر، کیهان، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۹۴ ش.
۳. خوشوقت، محمدحسین، *تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵ ش.
۴. سعیدی، ابراهیم، *کتاب سبز سوریه*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷ ش.
۵. دهقانی فیروزآبادی، جلال، *چارچوب مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد، ۱۳۸۷ ش.
۶. طاهایی، سیدجواد، *خاورمیانه جدیدتر (چشم‌انداز وسیع روابط ایران و سوریه)*، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد، ۱۳۸۸ ش.
۷. مقتدر، هوشنگ، *مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران، انتشارات دانشکده‌ی علوم سیاسی و اجتماعی، ۱۳۵۸ ش.
۸. آجرلو، حسین، *تحولات سوریه*، فصل‌نامه‌ی *مطالعات خاورمیانه*، ۱۳۹۰ ش.
۹. آدمی، علی و الهام کشاورز، *جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، فصل‌نامه‌ی *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۳۹۴ ش.
۱۰. متقی، ابراهیم و ابراهیم سعیدی، *سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه*، فصل‌نامه‌ی *پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۳۹۴ ش، ش ۲۴.
۱۱. موسوی، حسین، *بلندی‌های جولان و امنیت رژیم صهیونیستی*، فصل‌نامه‌ی *مطالعات راهبردی*، ۱۳۸۸ ش، ش ۲.
۱۲. نطاق پور، مهدی و محمدرضا بشارتی، *علل همگرایی بین ایران و سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، *مطالعات دفاعی و امنیتی*، ۱۳۹۰ ش، ش ۶۳.
۱۳. نیاکویی، سیدامیر و حسین بهمنش، *بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها*، فصل‌نامه‌ی روابط خارجی، ۱۳۹۱، ش ۱۶.
۱۴. آرمان سلیمی، *پایگاه اطلاع‌رسانی الوقت*، به نشانی www.alwaght.com/fa/News، ۲۱۱۹۷.
۱۵. *پایگاه اطلاع‌رسانی باشگاه خبرنگاران جوان*، به نشانی www.yjc.ir/fa/news، ۴۰۲۶۸۲۱.
16. Hass, Richard N., *The New Middle East*, Foreign Affairs; 2008.
17. Sutherland, John W., *the Syrian Dilemma: a U.S. led Invasion or a U.N. Sponsored Resolution*, International Journal of Humanities and Social Science Vol. 3 No. 1; January 2013.

